

- صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری آهنگ آتیه (تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی)
- مدیر مسئول و رئیس شورای سیاست گذاری: ابراهیم رستمیان مقدم
- سردبیر: رضا جمیلی
- معاون سردبیر: میترا فردوسی
- مدیر هنری: سیدعلی رضا میرزامصفی
- صفحه آرایی: کتابون رحیمی
- ویرایش عکس: شمیم رضوانی
- ویرایش متن: مریم مهداد
- تحریریه: مسعود شاه حسینی، نسرين ظهیری
- مجتبی کاوه، امیراحسینی، صدرا محقق
- لی لی اسلامی، مسعود مصباحی، امین جلالوند
- حمیدرضا عبدالوند، فاطمه علی اصغر، مهدی شادمائی
- عاطفه شمس، عماد عزتی، عبدالله مقدمی
- احسان رحیمزاده، مهر آذین بشیری، ارد، مریم طالبی و...
- با تشکر از: بیژن رمضانی، ابراهیم باقری

صولت فروتن

• نشانی: خیابان احمد قصیر، خیابان دوازدهم

شماره ۲۲، طبقه پنجم

• تلفن تحریریه: ۸۸۵۱۷۰۰۸۵۰۶

www.Atiyehnoweekly.ir

• چاپ: هنر سرزمین سبز

• آگهی و اشتراک: ۸۸۵۱۷۰۰۹۱

• ناظر چاپ: علی توتونی



نسرین ظهیری

روزنامه نگار

آدم‌های عددی

زن نگاهش را جمع می کند: «من چهار صد، بگیر برو بالای بالا.» اینجا همه حرف‌ها به عددها ختم می شود. صدو هشتاد، دویست و هفتاد، سیصدوده. اینجا که نشستام بخش تایید نسخه در مان تامین اجتماعی است. اینجا آدم‌ها بین اعداد و رقم‌ها راه می‌روند و می‌ایستند. زندگی‌شان با عددهایی که پایین می‌رود جور می‌شود و با رقم‌هایی که بالا می‌رود رنگ کلافگی و ویرانی می‌گیرد. آدم‌هایی که توی صف هستند این ازشیه عددی را به کول کشیده‌اند. آدم‌هایی که حسرت یک دل سیر غذا خوردن دارند. حسرت یک قاچ خربزه یا خوشه‌ای انگور رسیده شیرین. دیابت. این بیماری خاموش، آدم‌های اینجا را به ناکامان بزرگ زندگی تبدیل کرده. پسر جوان رعنائی دارد برای کنار دستش تعریف می‌کند که چطور خوردن هویج سلف دانشگاه یا خوردن کمی بیشتر نون بربری، بدون دغدغه و عذاب وجدان و بدون واهمه و ترس برایش یک آرزو شده است. بیشتر مراجعه کنندگان، دیابت یک و دو دارند و نسخه انسولین. دارویی که تا همین چند وقت پیش به راحتی به بیماران داده می‌شد. به دختر بالابلد جوانی که جلو من ایستاده و دیابت نوع یک دارد، می‌گویم: «آخه انسولین به درد کی می‌خوره چه یه بیمار دیابتی که باید تایید دارو گرفته بشه.» دختر ک به انسولین‌های داخل کیفش اشاره می‌کند: «هیگن بدن سازااا هی به خودشون انسولین می‌زنن تا قندشون بیفته و بتونن بیشتر غذا بخورن.» پیرزن کنار دستی ام نفر هشتاد و ششم است و تا حالا نفر سی ام اعلام شده. حوصله‌اش به همین زودی پس رفته: «دختر جان بی حرف نشین. بیا حرف بزیم تا زودتر نوبتمون بشه. من دیشب قشنگ نشستم به ششاپ پلو و قیمه خوردم البته انسولین هم زدم ساعت نه.

صبحی قدم رفته بود و صدونود. عیب نداره لااقل این جوری نخورده نمی‌میرم. تا کی نخوری یکشم تو این دنیای دو روزه. آخه اینم شدم مریضی که ما گرفتیم.»

شماره‌ها یکی یکی خوانده می‌شوند و صف آدم‌های عددی، جلو نمی‌رود. عقب‌عقب می‌رود.

با ما پله‌های موفقیت را با کارت کشیدن طی کنید!

سرعت‌گیر

NARRATIVE

۶۳



عبدالله مقدمی

روزنامه نگار

خب به سلامتی، نتایج کنکور سراسری امسال هم اعلام شد و مدارس دولتی توانستند با اقتدار در قعر جدول قبولی‌ها قرار بگیرند. حالا زود شاکی نشوید و نگویید: «این دیگر چه جور اقتداری است؟» به هر حال این هم یک جورش است. همین که فعلا به دانش آموزان مدرسه‌های دولتی و مناطق محروم، اجازه شرکت در کنکور داده می‌شود، خودش کلی لطف است. مورد داشتیم رئیس سازمان سنجش بعضی کشور‌های خارجی همان اول کار اعلام کرده‌اند: «لطفا دانش آموز‌های بی کلاس و بی مدرسه، به آزمون کنکور

ما نیایند. مرسی... آه!» اما اینجا اصلا این طوری نیست. همه دانش آموزان مناطق کشور می‌توانند به میدان بیایند و بخت خودشان را برای قبولی در دانشگاه‌های معروف و بزرگ ببازمایند، بدون هیچ تبعیضی. همه با هم برابرند، فقط بعضی‌ها یک کوچولو برابر ترند.

همه چیز تو اگر چند از او برتر بود قد و بالای مخت از مخ او سر تر بود اوبه آن مقصد عالی «بتوانست» و رسید ظاهرا بچه همسا یه برابر تر بود

اما وقتی بچه‌های مدرسه دولتی درس نمی‌خوانند، واقعا تقصیر مسئولان ما چیست؟ مگر آن‌ها جلوس این‌ها را

در غدیر خم امروز، بادهای به جوش آمد کز صفای او روشن، جان باده نوش آمد و آن مبشر رحمت، باز در خروش آمد کان صنم که از عشاق، برده عقل و هوش آمد با هیولی توحید، در لباس انسانی در غدیر خم یزدان گفت مر پیمبر را کز بی کمال دین، شو پذیره حیدر را پس پیمبر اندر دشت بر نهاد منبر را برد بر سر منبر، حیدر فلک فرا شد جهان دل روشن زان دو شمس نورانی گفت: بشنود ای قوم، قول حق تعالی را هم به جان بیاویزید گوهر تولا را پوزش آورد از جان این ستوده مولا را این وصی بر حق راه این ولی والا را با رضای او کوشید، در رضای یزدانی

آنچه در «غدیر خم» در سال حجه‌الوداع اتفاق افتاد، سرفصل تازه‌ای در تاریخ اسلام شد و مسئله تعیین جانشین پیامبر و آیه «ابلاغ» و «اکمال دین»، قلمرو جدیدی در اندیشه مسلمین و افکار پیروان محمد صلی الله علیه و آله و به تبع در آثار ادبی و تألیف‌ها و سروده‌های مجتبان امیرالمؤمنین علیه‌السلام و مدافعان ولایت علوی گشود. ملک الشعرا ی بهار، مخمسی زی‌بادرم‌دخ علی‌علیه‌السلام و یاد غدیر دارد که به چند بند آن اشاره می‌شود:



پس از حواشی بسیار پیرامون توقیف «فت کش ایرانی گریس ۱» توسط دولت انگلیس و در تنگه جبل الطارق، حالا یک دادگاه عالی در جبل الطارق به‌رغم درخواست آمریکامبنی بر تمدید توقیف نفت کش ایرانی، رای به آزادی این نفت کش داده است. انتشار این خبر در همان ساعات اولیه موجی از واکنش‌ها را در میان کاربران به‌دنبال داشت تا بار دیگر «گریس ۱» به بحث داغ شبکه‌های اجتماعی تبدیل شود؛ این بار اما با خبر آزادی‌اش. «حسین دهباشی» پس از انتشار خبر آزادی این نفت کش، با اشاره به اقدام متقابل ایران در توقیف یک نفت کش انگلیسی در خلیج فارس، در این رابطه نوشت: «بوسه‌ای دورادور بر بازوان تکاوران مومن و مهین دوست و دلآوری که با هادیت کشتی انگلیسی به ساحل ایران، نفت کش تحت اجاره کشورمان را در جبل الطارق آزاد کردند. غبار پوتین‌هایشان، توتیای چشمان ما...» رضا یزدان پرست «نیز در این باره نوشت: «از آزادی نفت کش ایرانی خوشحالم، اما این خوشحالی زمانی کامل میشه که انگلیس به همان میزانی که ایران در این ماجرا ضرر کرد متضرر بشه. نفت کش انگلیسی کوچک‌تر از نفت کش ایرانیه، پس باید مدت زمان بیشتری توقیف

باشه تا انگلیسی‌ها به اندازه و حتی بیشتر از ایران با ضرر مالی مواجه شوند.» «حمیدبعیدی‌نژاد» سفیر جمهوری اسلامی ایران در لندن، لحظاتی پس از اعلام رای دادگاه به نفع ایران، در این باره نوشت: «کشورمان در تمامی ۴۰ روز گذشته با مشارک نهادهای ذی ربط داخلی تحت مدیریت وزارت خارجه، گفت‌وگوهای مستمری در سطح سیاسی، حقوقی و فنی با طرف انگلیسی برای رفع این اقدام غیر قانونی انجام داد. امریکا با تلاش‌های مذبوحانه آخرین لحظه خود، قصد داشت مانع رفع توقیف نفت کش شود که با شکست تحقیر آمیزی مواجه شد. با تلاش‌های روزهای گذشته، تمام مقدمات و تمهیدات فنی لازم برای حرکت نفت کش به دریا ی آزاد نیز تأمین شده و کشتی به‌زودی منطقه جبل الطارق را ترک خواهد کرد.» «سارا معصومی» نیز در این خصوص نوشت: «آزادی نفت کش حامل نفت ایران نتیجه پیگیری هم‌زمان دوروند حقوقی و سیاسی بود. تبحر حقوقی، پیگیری سیاسی و اقتدار منطقه‌ای، آزادی «گریس ۱» را رقم زد.» «علی قلی‌زاده» که «همراهی مشی تقابلی- تهاجمی با دیپلماسی» را عامل این پیروزی برای ایران می‌داند، در این باره نوشت: «نفت کش «گریس ۱» زمانی آزاد شد که

به من گفتش که دل در یا کن ای دوست همه جیبت از آن ما کن ای دوست تمام پول خود دادم به او، گفت: صفایت را! صفا حالا کن ای دوست خلاصه اینکه نه برای مسئولان، نه برای صاحبان موسسات کنکور، نه برای مدیران مدرسه، هیچ فرقی بین بچه کارگر و کارمند و کاسب و دلال و مدیر و کله‌گنده و کله‌کوچک وجود ندارد. کافی است کارت بکشید و با پیام «موجودی کافی نیست» مواجه نشوید. آن وقت با نردبان، پله‌برقی، آسانسور، هلی کوپتر، حتی شده روی کول دوستان، پله‌های موفقیت را طی می‌کنید. شما فقط کارت بکشید.



• یکشنبه ۲۷ مرداد ۹۸ • شماره ۲۱۴

ساختمان‌نیکاره

NARRATIVE



مسعود مشاخی

جوشکار و دانش‌موخته جامعه‌شناسی

چرا حاج مهدی دشمنی اعتیاد است؟

حاج مهدی را که یادتان هست، بارها اسمش را آورده‌ام. او یکی از کارفرماهای ساختمان در حال ساخت ماست. قد کوتاهی دارد، چهره‌ای گندمگون که به تیرگی می‌زند. آدم مهربان و خوش‌قلبی است. دست به‌خیر است و تا به حال دست خیلی از بچه‌های کارگر را گرفته و با هزینه خودش از بسد مواد افیونی آزاد کرده. تا چند روز قبل نمی‌دانستم خودش هم یکی از نجات‌یافتگان این ماده افیونی است. باورش سخت است که آدمی با یک عالمه مال و منال، خانه آن چنانی و ماشین آخرین مدل، روزی در بسد اعتیاد بوده. داستان از اینجا شروع شد که چند روز قبل، حاج‌مهدی صدایم کرد و گفت در یکی از شهرهای اطراف، مزایده ساخت چند واحد ساختمانی را برنده شده. برای بر آورد مصالح پروژه و بازدید محیطی، به من احتیاج دارد. با ماشین شاسی‌بلندش همراه او شدم. من بودم و حاج مهدی بود و جاده و یک ماشین با دکمه‌ها و لامپ‌های فراوان و موزیک ملایم و هس‌وای خنکی که ایسن روزها کمتر به صورت م می‌خورد. نمی‌دانم چقدر از راه را طی کردم و صحبت به کجا رسید که حاج‌مهدی سر درددل را باز کرد و داستان زندگی پرفرازونشیب‌اش را برایم واگویی کرد. انگار منتظر فرصتی بود که داستان زندگی‌اش را برایم تعریف کند و چه گوششی شنواتر از من که با او صمیمی بودم. از دوران کودکی‌اش گفت، دورانی که مدرسه را رها کرده و خواسته کمک‌خرج پدر کارگرش باشد. مکانیکی، صافکاری و کارهای دیگری انجام داده تا اینکه بزرگ‌تر شده و به دام مواد افیونی افتاده است. حاج‌مهدی به اینجای صحبتش که رسید، اهی کشید. مدتی ساکت ماند و به فکر فرو رفت. انگار برگشته بود به همان سال‌ها، همان روزهای زجرآور و سخت. چین‌های پیشانی‌اش پر از عرق و حالش دگرگون شده بود. مدتی که گذشت، دوباره شروع به تعریف کرد. می‌گفت آن روزها به هر کاری دست می‌زد تا نان خانواده و خرج موادم را در بیابورم. حلال و حرامش برایم فرقی نمی‌کرد. روزگاری که ششم می‌آمد و ششام نمی‌آمد. با ماشین پیکان جوانان رنگ‌ور رفته‌ای که از پدرم به من رسیده بود، مسافر، بار قاچاق و غیرقاچاق و هر چیزی که امورم را انگار اند جابه‌جایی کردم. سال‌ها از پی هم گذشت و حاج‌مهدی روزبه‌روز در منجلاب بیشتری فرو رفته. کار به‌جایی رسیده که دیگر توان کار کردن هم نداشت و همه از او دوری می‌کردند. می‌گفت کش دیگری از خودم بدم آمده بود و از دارو و دکتر اعتیادم را کنار گذاشتم. آن قدر زجر کشیدم تا این دردها در خاطرم بماند و این روزگار از یادم نرود. حاج‌مهدی از صفر شروع می‌کند. تلاش می‌کند و زحمت می‌کشد و ظرف مدت ۱۰ سال خودش را به اینجایی که هست می‌رساند. الان فهمیدم چرا حاج‌مهدی این قدر برای کارگرهایی که گرفتار دام اعتیاد شده‌اند ناراحت می‌شود و تلاش می‌کند آن‌ها را از بند آن‌رها کند.

بی‌جای‌واشنگتن در لحظه آخر یک «تمایش انزوا» و یک «پیروزی سیاسی علیه آمریکا» به آن اضافه کرد دولت ترامپ دولت گاف‌ها و محاسبات اشتباه است.»

«محمودفرجامی» نیز در خصوص تهدیدهای آمریکا برای مقابله با رفع توقیف «گریس ۱»، در این باره نوشت: «انگلیس که جزء اتحادیه اروپا نیست نفت کش ایرانی‌رو که مشمول قوانین اتحادیه اروپا نیست به‌بهانه ارسال نفت به سوره که متاسفانه اون هم هزار و پونصد سالی میشه از روم جدا شده در جبل الطارق که هیچ‌وقت جزء اروپا نبوده، توقیف می‌کنه. همه‌این‌ها کم‌بود حالا آمریکا هم رسماً طرف دعوی حقوقی شده!» «امیرعلی ابوالفتح» نیز در خصوص تهدید آمریکا به تحریم پرسنل نفت کش ایرانی، در این باره نوشت: «وقتی زورت به ایران نرسد، وقتی زورت به بریتانیا هم نرسد، وقتی زورت حتی به منطقه خودمختار جبل الطارق نیز نرسد که بتوانی نفت کش ایرانی را در توقیف نگه نداری، آن وقت می‌روی سراغ کارکنان نفت کش و تهدید می‌کنی که از ورود به خاک آمریکا منع می‌شوند.» یکی از کاربران به نام «حسام» نیز در این باره نوشت: «جبل الطارق که مستعمره خود بریتانیاست هم به‌ فشار آمریکا اهمیتی نداده و نفت کش ایرانی «گریس ۱» رو آزاد کرده، این نشون میده که با مقاومت و دیپلماسی ایرانی زور و نفوذ آمریکا دیگه مثل قبل نیست.» در این میان، واکنش‌های احساسی کاربران نیز در واکنش به آزادی «گریس ۱»، پر تعداد بود. کاربری به نام «اسپینوزا» که ایران را به شیر تشبیه کرده است، در خصوص آزادی «گریس ۱» نوشت: «فراموش نکنیم روزی که ایران، نفت کش بریتانیایی‌رو گرفت، یکسری عزا گرفتند که ایران داره با دم شیر بازی می‌کنه و جنگ طلبه. «گریس ۱» آزاد نشد، مگر با نشون دادن جنگ و دندان شیر به رویا پیر.» کاربر دیگری به نام «منصور» نیز نوشت: «اسم هم‌وطنانی که از آزادی جبل الطارق بود. «رضا نصری» که دولت ترامپ را «دولت گاف‌ها» نام گذاشت، در رابطه با آزادی نفت کش ایرانی به‌رغم تهدیدهای آمریکا، نوشت: «آزادی نفت کش «گریس ۱» می‌توانست -با یک هزینه حیثیتی حداقلی برای لندن- صرفاً به‌عنوان «پیروزی حقوقی ایران علیه بریتانیا» ثبت شود. درخواست